

ویژه ۲ منفکونیست

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست

۲۳ بهمن ۱۳۸۹
۱۲ فوریه ۲۰۱۱

آذر مدرسی

انقلاب مصر فروپاشی بلوک شرق

۱۱ فوریه به روزی تاریخی و فراموش نشدنی در تاریخ مصر و جهان تبدیل شد. مقاومت حسنی مبارک این نماد فساد و استبداد فقط ۱۸ روز در مقابل موج اعتراض مردم خشمگین و جان به لب آمده از خفقان، فقر، بیحرمتی و زندگی برده وار تاب آورد. مردم مصر به جهانبان و بیش از هر کس به دول ارتجاعی عرب و ارتجاع جهانی نشان دادند دوره تعیین تکلیف سرنوشتشان توسط آنها به پایان رسیده. مردم و طبقه کارگر مصر به همراه بشریت آزادیخواه در سراسر جهان اولین پیروزی خود را بر یکی از فاسد ترین دیکتاتوری ثبت کردند. اما رفتن حسنی مبارک، جدال جنیتر بر سر آینده مصر را در مقابل جامعه و نیروهای سیاسی آن باز میکند. این تازه شروع کار مردم و طبقه کارگر در مصر برای رسیدن به آزادی، رفاه و سعادت است.

۱۸ روز زمین لرزه سیاسی در مصر ضربه سنگینی بر کل سیستم و دستگاههای دیکتاتوری و فساد دول عربی وارد کرد. انقلاب در تونس و مصر را به حق به فروپاشی دیوار برلین و بلوک شرق با ابعاد و دامنه تأثیرات بین المللی مشابه تشبیه میکنند. اما تفاوتی بنیادی بین تأثیرات فروپاشی بلوک شرق و انقلاب مصر و تونس و گسترش آن به دنیای عرب در سیمای

ثریا شهابی

انقلاب مصر و تاکتیک ضدانقلاب بورژوا امپریالیستی

تب انقلابات در کشورهای عرب زبان آفریقا و خاورمیانه، تونس و مصر و به زیر کشیده شدن نو رئیس جمهور این کشورها به قدرت مردم، تحولات انقلابی در قلب جوامعی با دول متحد استراتژیک غرب، جوامع با رنسای جمهور مادام

العمر و خودکامه و مستبد، تحولات سیاسی در جهان را تماما به سرانجام این تحولات گره زده است. انقلاباتی که خطر گسترش دامنه آن برای به زیرکشیدن انواع شیوخ ریز و درشت مرتجع عربستان سعودی و کویت و امارات عربی، که عدم انقراض نظام های سیاسی قبیله ای و برده دارانه شان تنها مبنیون کمک های مالی، نظامی و سیاسی، غرب است، در فضای خاورمیانه در پرواز است.

انقلاب در قلب مناطق تحت حاکمیت غرب و در جوامعی براه افتاده است که به

رحمان حسین زاده

نیروی اراده انسان، تاریخ مصر را ورق زد درود بر اراده کارگران و نسل جوان مصر

تاریخ کشور مصر ورق خورد. مصر امروز، مثل دیروز نیست. نه اینکه گذشته هنوز در حال حکم نمیراند، نه اینکه سیستم سر جای خود نمانده است. اما نماد این سیستم وارونه و ضد انسانی و

آرزوی دهها میلیون انسان تشنه رهایی و زندگی بهتر بدل شد و چنان نیروی انقلابی بنیادینی به میدان آورد که هیچ مانعی نمیتوانست جلودارش باشد. هرچند انفجار انقلابات در جوامع سرمایه داری معاصر، حاصل تناقضات بنیادی مشابهی است، اما اینکه در هر جامعه ای بر محور چه خواست مشخصی انقلاب در میگیرد، چه وقت در میگیرد و با چه سرعتی به پیروزی میرسد، غالبا قابل پیش بینی نیست. اتفاق میافتد، بعد قابل شناخت میشود. در انقلاب جاری مصر

فاتح شیخ

سقوط مبارک پیروزی بزرگ انقلاب مصر

امروز با سقوط حسنی مبارک، انقلاب مصر به پیروزی بزرگی دست یافت و جشن و شادمانی کم نظیری سراسر مصر را فرا گرفت. سقوط مبارک خواست مشترک همه جنبشهای اجتماعی مخالف دولت مصر بود که سریعا به خواست و



یمن سلطه بلامنازع میدیای نوکر و وابسته غرب، امثال "بی بی سی" و "سی ان ان"، جهانبان هرگز صدای بی حقوقی شان را نشنیدند! بیش از یک دهه برتن میلیونها انسان آزادیخواه و زحمتکش و معترض کشورهای عرب صفحه ۳



مصر در نبرد شورانگیز هیجده روز گذشته است. آنچه تحول این بار را از صفحه ۳



خواست بزرگترین مبارک از همان روزهای اول چنان توده گیر شد که دولت مصر با همه قدرت سرکوبگرش نتوانست آن را مهار کند. صفحه ۴

مظفر محمدی
**به جهان بشریت
آزادیخواه و برابری طلب
خوش آمدید!**
صفحه ۶

ما در کنار طبقه کارگر و مردم
مصر هستیم
مصاحبه با رحمان حسین زاده
صفحه ۷

حسین مرادیبگی
**آنچه که طبقه کارگر
در مصر به آن نیاز دارد**
سرانجام بر اثر فشار تحریک انقلابی مردم در مصر، مبارک مجبور به استعفا شد. رفتن مبارک تا همینجا، پیروزی بزرگ و حادثه بزرگی در تحولات سیاسی اخیر برای مردم مصر و دیگر توده کارگر و مردم زحمتکش در منطقه است. با استعفای مبارک این تحولات

کردن تحریک انقلابی اخیر مردم بیش از پیش به کار میافتد تا آن را در این یا آن نقطه تعادل متوقف کنند. با اعلام تشکیل فدراسیون ها در مصر در روزهای اخیر، اعصاب کارگران کنال سوز و وارد شدن آنان با این صفحه ۵

وارد نور جدیدی خواهد شد و می رود که سرنوشت و آینده سیاسی مصر را رقم بزند. بند و بست های پشت پرده، عوام فریبی های معمول بورژوازی همراه با جلو کشیدن چهره های کاذب، شدت میگیرد. کل ارتجاع بورژوازی برای خفه

اعلامیه حزب حکمیتست
**مبارک رفت
زنده باد انقلاب**
صفحه ۸

انقلابات در کشورهای عربی و
نسیم تغییر جهان
گفنگو با بهرام مدرسی
صفحه ۲

یک روز برای کارگران مصری
بیانیه اتحادیه های کارگری مصر
صفحه ۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



انقلابات در کشورهای عربی و نسیم تغییر جهان

گنگو کمونیست با بهرام مدرسی

کمونیست: رویدادهای تونس و مصر و کلا نئیای عرب را چگونه میبینید؟

بهرام مدرسی: این رویدادها که از تونس و بعد به سایر کشورهای نئیای عرب کشانده شده است را باید در "کانتکسی" جهانی که بعد از شکست انقلاب اکتبر، شکست بلوک شرق و پیروزی سرمایه داری غرب بوجود آمد، دید. سرمایه جهانی در این نوره زندگی را به انسان تحمیل کرد که قابل قیاس با هیچ دوره ای نبوده است. فقر، گرسنگی، استثمار، بیکاری، جنگ های منطقه ای میدییلی نوکر صفت، اسلام سیاسی، جنگ و کشتار میلیونها انسان از رواندا تا عراق و افغانستان و صربستان از عملیات انتحاری و "بمب به خردستن" و انسانهای بی گناه را کشتن، تا به قتل رساندن نسلی از مردم عراق، و فحشای کودکان و آمار بالای اعدام در سطح کل جهان، تنها گوشه هایی از جهانی است که به ما تحمیل کرده اند

قیام گرسنگان در تونس و بعد مصر و سایر کشورهای عربی، به نظر من شروع اعلام پایان این نوره است. این قیام یا شورشها، نقطه اول خودآگاهی بشر در قرن ۲۱ نسبت به خود، و موقعیت خود است. این خودآگاهی به کشورهای عربی محدود نیست. امروز میلیاردها انسان "لایف" شاهد لحظه به لحظه این انقلاب هستند. میلیاردها انسان "لایف" می بینند، میشوند و میفهمند که انسان قرن ۲۱ در کشورهای عربی نسبت به خود و انتظارش از زندگی چه میگوید؟

روشن است که این قیام برای ما کمونیست ها خصلتی همگانی و دمکراتیک دارد، این فعلاً جنبش و قیامی کمونیستی نیست. اما در همین حد هم نه فقط امثال حسنی مبارک، بلکه کل نظم جهانی را که مبارک و فقر و گرسنگی و این زندگی را ممکن کرده است، مورد تعرض قرار داده است. به همین جهت تنها علیه مبارک نیست، علیه جریانات بنیادگرای اسلامی هم هست، حداقل تا امروزش بوده است.

مردم عرب زبان طی سالیان متمادی برای جهان غرب و ایندیولوگ هلیش (وبرای ناسیونالیسم ایرانی هم) انسانهایی درجه دوم بوده اند، جمعیتی میولنی له شده بین حکومت های دیکتاتوری و جریانات اسلامی. قیام

انقلاب مصر فروپاشی... قبول حماس و القاعده و اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی، قرار نگرفته است. مردم مصر تلاش این بلوک ارتجاعی و جلیگانه قدرت مردم، در رابطه مردم با قدرتهای حاکم بویژه در خاورمیانه و نئیای عرب است. اگر پیامد فروپاشی بلوک شرق تحکیم هژمونی مدافعان بازار آزاد، هلهله بورژوازی در مرگ کمونیسم، اعلام پیروزی بازار آزاد و دمکراسی غربی، به راست چرخیدن اوضاع نیا به سرکردگی امریکا و غرب، رشد جنبشهای ناسیونالیستی در کشورهای بلوک شرق، رشد میلیتاریسم و نقش امریکا در تعیین سرنوشت مردم بود. اگر فروپاشی بلوک شرق دستمایه تبلیغات ضد کمونیستی، تعرض به هر نوع آزاریخواهی و هر تلاشی برای رهایی از، حمله به انسانوستی، عدالتخواهی بود. انقلاب در تونس و مصر اما دقیقاً نقطه مقابل آن روند است. در این تحولات قدرتمندی بورژوازی و بالانس قدرت به نفع ارتجاع در خاورمیانه و جهان از پائین و توسط میلیونها مردم انقلابی به جدال طلبیده شده. اعتراض و انقلابی برای رهایی از حکومتهای فاسد و نوکر و دیکتاتور، انقلابی برای آزادی و رفاه و سعادت، انقلابی که مستقل از سرنوشت آن تا همین امروز آزادی از حکومتهای فاسد و نوکر را در نئیای عرب نوید میدهد، انقلابی که لرزه بر اندام ضد انقلاب جهانی انداخته است. پس از این تحولات قطعاً شاهد تغییر چهره خاورمیانه و جهان خواهیم بود.

تمام تاکتیکها و تلاشهای دولت حسنی مبارک با حمایت مشاورین سیاسی نظامی امریکا و اروپا از سرکوب عریان و وحشیانه روزهای اول، راه اندازی اوباش و چماقداران دولتی، ترساندن مردم از قدرتگیری جریانات اسلامی، سیاست ایجاد نفاق و تفرقه در میان مردم، تلاش در دست بست کردن قدرت به دور از اراده مردم و توافق از بالا با احزاب و جریانات و بالاخره خط و نشان کشیدن کونتای نظامی همه و همه با قدرت و ایستادگی کارگران و مردم انقلابی به شکست کشیده شد و نه فقط مردم معترض را به خانه نفرستاد که طبقه کارگر را اینبار نه در قامت توده بیشکل و معترض در خیابان که در قامت یک طبقه با اتکا به قدرت طبقاتی خود، قدرت فلج کردن اقتصاد، به میدان این جدال و به وسط صحنه انقلاب آورد.

تمام تاکتیکها و تلاشهای دولت حسنی مبارک با حمایت مشاورین سیاسی نظامی امریکا و اروپا از سرکوب عریان و وحشیانه روزهای اول، راه اندازی اوباش و چماقداران دولتی، ترساندن مردم از قدرتگیری جریانات اسلامی، سیاست ایجاد نفاق و تفرقه در میان مردم، تلاش در دست بست کردن قدرت به دور از اراده مردم و توافق از بالا با احزاب و جریانات و بالاخره خط و نشان کشیدن کونتای نظامی همه و همه با قدرت و ایستادگی کارگران و مردم انقلابی به شکست کشیده شد و نه فقط مردم معترض را به خانه نفرستاد که طبقه کارگر را اینبار نه در قامت توده بیشکل و معترض در خیابان که در قامت یک طبقه با اتکا به قدرت طبقاتی خود، قدرت فلج کردن اقتصاد، به میدان این جدال و به وسط صحنه انقلاب آورد.

برنده تحولات بیست و دو سال پیش، جناح هار و راست بورژوازی جهانی و نظم نوین جهانی، بازنده امروز تحولات انقلابی در نئیای عرب و خاورمیانه است.

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها
۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن
۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی
۲۰ تا ۲۲ به وقت ایران
شما می توانید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه های ما باشید
www.radiopartow.com/wp/

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

انقلاب مصر و تاکتیک...
 زینان، لباس اسلامی، انتحاری، تروریستی و "حیوانی" پوشانند. هر تک جانور اسلامی که قمه ای کشیده بود و سری بریده بود را، در تلویزیونها به نمایش گذاشتند و آن را نماینده و مشخصه صدها میلیون مردم کشورهای عرب زبان معرفی کردند. بیش از یک دهه جوامع عربی را "مامن وحوش" جلوه دادند، تا جنایات و توحش دولتهای تروریست غربی و دولت اسرائیل را در عراق و غزه شروع جلوه دهند. انقلاب در جوامعی در جریان است که دکان دموکراسی غربی و متاع "حقوق بشر" و انواع کمپین های "ساختمندان" غرب محوری برای "نجات" گله های گرسنه درجهان سوم، هرگز حق بشر و "ساخت" و خیریه دول غربی را شامل حال خود نکرد! "خیریات" و حقوق بشری که اساسا ابزاری برای گوشمالی دادن دولتهای نافرمان یا رقیب غرب بود تا وسیله احقاق حق هیچ بشری، هرگز شامل حال بردگان مزدی دویی، زندانیان سیاسی تونس، کارگران در مصر، و زنان در عربستان سعودی، نشد!

انقلاب تونس و مصر، به پا خواستن مردم در قلب "جزایر آرام" با دولتهای مرتج و متحد غرب، تمام موازنه سیاسی - ایدئولوژیکی شرق و غرب را برهم زد. معلوم شد که جهان ظرفیت های غظیمی برای راهی از سیطره مقتدرات و زندگی که بورژوازی غرب و محصولات جانبی آن، ارتجاع اسلامی و حماس و حزب الله، برای انسان رقم زده است، دارد.

سرانجام انقلاب مصر و تونس و... به هر نتیجه ای برسد، تا امروز با به زیر کشیدن دو رئیس جمهور تونس و مصر، و تحمیل آزادی زندانیان سیاسی و آزادی احزاب در تونس، و به میدان آمدن طبقه کارگر در مصر، توازن قوا را به نفع مردم و طبقه کارگر در سراسر جهان تغییر داده است. تلاش آمریکا و غرب برای منزوی کردن کل

خاورمیانه و جدا کردن آن از سوخت و ساز سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهان، به بهانه حماس و جمهوری اسلامی، شکست خورده است. تبدیل جوامع عرب زبان با صدها میلیون ساکنین آن، به منطقه "تفرین" شده ای که گویا سرنوشت آن باید در دست دولتهای نظامی و ارتجاع اسلامی و فاشیسم اسرائیل رقم بخورد، به فرمان انقلاب تونس و مصر متوقف شد!

انقلاب در مصر و فضای انقلابی در کشورهای عربی، اما به خاورمیانه محدود نخواهد ماند. این فاز مهمی در به سرانجام رساندن تناقضاتی است که ریشه در خود غرب دارد. تناقضاتی که میراث جنگ سرد و فروپاشی شرق است. دو دهه تلاش غرب به رهبری آمریکا برای فرار از رویارویی با مشکلات جهان یک دست سرمایه داری "بازار آزاد" و با سیطره کامل "دموکراسی"، دو دهه بکار گیری خشن ترین میلیتاریسم عنان گسیخته و تخریب عراق و افغانستان، و بالا نگاه داشتن تهدید انواع محور های شر، تنها و تنها آنچه که امروز در مصر میگذرد را دو دهه به تعویق انداخت.

فضای انقلابی در کشورهای عربی، سرنوشت خاورمیانه، مسئله فلسطین، آینده و نوع حکومت اسرائیل، تکلیف شکاف شرق و غرب، تکلیف خاورمیانه و رابطه طبقه کارگر و بورژوازی در سطح جهان را، اساسا دگرگون خواهد کرد. جهان وارد یک دوره تحولات تعیین کننده ای میشود. تحولاتی که پایان شوروی، فرو ریختن دیوار برلین و فروپاشی شرق در مقابل آن اتفاقات کوچکی بنظر خواهد آمد.

یک تاکتیک در استراتژی ضدانقلاب امپریالیستی

در حالی که انقلاب در مصر به پیش میرود، در هر طپش آن با رگ و پوست اعلام میکند که در این انقلاب ارتجاع اسلامی و اسلام سیاسی نقش قابل توجه و تعیین کننده ای ندارد، یک سمفونی مشترک توسط ارتجاع بورژوا امپریالیستی علیه این انقلاب تحت عنوان خطر "انقلاب اسلامی" و "ایرانیزه" شدن مصر، براه افتاده است. این خطر از پایه مادی برخوردار نیست. این را خود "مصر شناسان" تحصیل کرده دانشگاههای آمریکا، با هزار و یک ملاحظه اعلام میکنند که مصر جامعه ای نیست که بتوان به سادگی بر آن یک حکومت اسلامی تحمیل کرد. بالاترین شانس حزب اخوان المسلمین در مصر، تبدیل شدن آن به یک حزب ارتجاعی پارلمانی است! این حزب، مستقل از ادعاهایش، امکان و توان تشکیل هیچ حکومت اسلامی در مصر را ندارد. فراتر از این، تجربه انقلاب ایران که به قدرت رسیدن ارتجاع اسلامی منجر شد، در مصر قفل تکرار نیست. ارتجاع اسلامی و خمینی از محصولات خود غرب و وسیله جلوگیری از خطر کمونیستی شدن انقلاب ایران، در شرایط جنگ سرد بود. سی سال پس از آن تجربه، در حالی که ارزش مصرف این ارتجاع برای غرب با پایان جنگ سرد تمام شده است، جهان و بخصوص مردم آزادیخواه مصر حاکمیت اسلام در ایران و افغانستان را تجربه کرده اند، خطر "ایرانیزه" شدن مصر، یک پروپاگاندا سیاسی علیه انقلاب مصر و یک تاکتیک در استراتژی ضد انقلاب امپریالیستی در منطقه است.

این روی دیگر سکه همان تاکتیکی است که همه "اعراب" را تروریست و انتحاری معرفی میکرد! خطر ایرانیزه شدن انقلاب مصر، تاکتیکی برای جلوگیری از انقلاب، تلاشی برای توجیه سرکوب آن، و پروپاگاندا برای بکار گیری ارتش مصر و اسرائیل علیه انقلاب است. مثلث ارتجاع در برخورد به انقلاب مصر، آمریکا و اسرائیل و ایران، هرچند در مورد نحوه تغییرات در مصر اختلاف داشته باشند، بر سر نحوه مقابله با آن، یک تاکتیک مشترک دارند. مهندسی کردن خطر "انقلاب اسلامی" و "لحالت" در آن به این بهانه، تا امروز به مهمترین مانع در مقابل شکل گیری یک همبستگی بین

الملی در غرب و در میان جوامع غیرعرب زبان، در دفاع از انقلاب مصر شده است.

منفعت ایران در تاکتیک مهندسی انقلاب اسلامی برای مصر، نور کردن تلاش برای ایجاد شکاف در صفوف انقلاب بر حسب مذهب، و یک پروپاگاندا سیاسی دولت ایران علیه غرب و اسرائیل است. کاری که متقابلا دولت اسرائیل انجام میدهد. مهندسی خطر انقلاب اسلامی برای مصر، وسیله ای برای حفظ خود در مقابل موج انقلابات دموکراتیک در کشورهای عرب زبان است. این خود ابزاری است برای زنده نگاه داشتن این تصویر که گویا مردم و طبقه کارگر در خاورمیانه و شمال آفریقا انتخابی جز ارتجاع اسلامی و حکومت نظامی ندارند. این تبلیغ و تلاش برای محسوس کردن این انقلاب بین انتخاب های ارتجاعی، و مهمتر از آن، به میدان آمدن آلترناتیوهای رادیکال، انقلابی و از جمله سوسیالیستی است.

یک راه مقابله با انقلابات حاضر در کشورهای عرب زبان و خاورمیانه، و مقابله با اراده مردم برای به زیر کشیدن حکومت های فاسد و مرتجع، بازداشتن آنها از انقلاب و قیام و اعتصاب و تغییر نظام و اقدامات رادیکال برای تغییر است، به بهانه خطر ایرانیزه شدن این انقلابات. خطر ایرانیزه شدن مصر و تونس، یک کمپین سیاسی ضدانقلاب بورژوا امپریالیستی به رهبری مثلث جمهوری اسلامی و اسرائیل و غرب به رهبری آمریکا است. این انقلابات به هر شکل به سرانجام برسد، هر نیرو و طبقه انقلابی یا بورژوازی را به قدرت برساند، و در خلا یک رهبری و آلترناتیو به هر رهبری رضایت دهد، به سناریو ایران دچار نخواهد شد.

نیروی اراده انسان، تاریخ

کشورهای عربی به حرکت درآمده است. امید به تغییرات گسترده تر و تعیین کننده تر و برجیدن حافظان نظام چهل و سرمایه در این قسمت از کره خاکی موج میزند. کجایند ایدئولوگهای سطحی و نان به نرخ روز خور بورژوازی که از پایان "دوره انقلابات" و "پایان تاریخ" صحبت میکردند؟! بگذار ببینند که شیخ انقلاب کارگران و مردم و تحولات انقلابی سران نظم سرمایه را در کل جهان و به ویژه در این بخش از دنیا به شدت ترسانده و به تکلیف انداخته است.

دیگر تحولات سیاسی اجتماعی در تاریخ مصر جدا میکند، احیای اراده سازمانیافته انسان کارگر و نسل جوان و مردم تحت ستم از اعماق جامعه، علیه ارتجاع و سرمایه و برای تغییر است. نیروی فعاله و خلاق انسان و در دوران ما نیروی اراده کارگرمشکل، دینامیسم حرکت تاریخ است. در تحول انقلابی مصر و قیلتن تونس این حقیقت را به روشنی تجربه کردیم. غول خفته نیروی اراده طبقه کارگرو نسل جوان و مردم یغی از ستم در خاورمیانه و

است. موتور محرکه این تحول انقلابی کمونیسم طبقه کارگر و تحزب کمونیستی آن است. با روشن بینی و درایت باید این موتور محرکه را به صحنه بکشانیم.

درد بر انقلاب کارگران و نسل جوان و مردم مصر

زنده باد انقلاب کارگری

من نیز به همراه میلیونها انسان تشنه آزادی و راهی در شور و شادی زاید الوصف کارگران و مردم مصر شریک و پیروزی بزرگ تاکتونی را عمیقاً تیریک میگویم. دوره تاریخ سازی در مقابل طبقه کارگر و کمونیسم در مصر و کل خاورمیانه و ایران و کشورهای عربی گشوده شده است. پایان حسنی مبارک ها و بن علی ها، فصل تعیین کننده از آغاز انقلاب واقعی کارگران برای برجیدن کل دولتهای سرمایه و جایگزین کردن آلترناتیو طبقه کارگر

مرگ بر جمهوری اسلامی!

سقوط مبارک پیروزی بزرگ...

تجربه دو انقلاب پی در پی تونس و مصر که ظرف کمتر از دو ماه دو رئیس جمهور مستبد را بزیر کشیدند و ضربات سختی به دستگاه دولت بورژوازی وارد آوردند، برای فعالین انقلاب کارگری بسیار با ارزش و الهامبخش است. نزدیکی زمانی این دو انقلاب و پتانسیل سرایت پیام و پیامدهایشان به جغرافیای سیاسی وسیعی در خاورمیانه نشان میدهد که آنها رویدادهای مجزائی نیستند بلکه دو جزء از زنجیره انقلابی هستند که سرچشمه آنها بحران جاری سرمایه داری جهانی و نبردهای طبقاتی حاصل از آن است. هر دو کشور در تقسیم کار جهانی سرمایه داری، جزء جوامع سرمایه داری متکی به نیروی کار ارزان و متکی به استبداد سیاسی عریان بعنوان روبروی متعادل با ارزان نگاه داشتن نیروی کار و بازتولید آن هستند.

مشخصا در مورد انقلاب مصر که موضوع روز است، اعتراضات و اعتصابات کارگری بهار سال ۲۰۰۸ که با سرکوب عریان فرونشاند شد و در هفته های اخیر به نبال پیشروی انقلاب در تونس دوباره جان گرفت و به میدان آمد، فاکتور اصلی پشت انقلاب جاری است. روزنامه لس آنجلس تایمز روز نهم فوریه رپرتاژ جالب و گویای درباره ریشه های کارگری انقلاب جاری مصر انتشار داد که ابعاد مبارزه متشکل طبقه کارگر مصر از قبل از شروع انقلاب و ادامه آن در دل انقلاب را به روشنی ترسیم کرده است. بر اساس این پایه طبقاتی، هم دینامیس پیشروی انقلاب و جنبشهای اجتماعی نخیل در آن را و هم منطق تاکتیکیهای بورژوازی و دولت و ارتش مصر برای سد کردن راه پیشروی انقلاب را میتوان شناخت. البرادعی امروز پس از انتشار خبر کناره گیری مبارک گفت حالا که به هدف خود رسیده ایم قدم بعدی، انجام اصلاحات سیاسی و عادی کردن اوضاع است تا بتوانیم مجددا سرمایه ها را به فعالیت در مصر باز گردانیم. این سخنان برادعی فشرده برنامه کل بورژوازی جهان و مصر و دولت و ارتش مصر برای متوقف کردن انقلاب جاری مصر پس از قربانی کردن مبارک، برای از سر گذراندن بحران انقلابی و باز گرداندن طبقه کارگر به زیر بوغ سرمایه جهانی است که با استثمار نیروی کار ارزان سود سرشار کسب کند و سهم بورژوازی مصر از آن سود را هم تأمین کند.

ارتش زمام نظام را در دست میگیرد

شورای عالی ارتش مصر دیروز (پنجشنبه ده فوریه) قبل از تفویض اختیارات حسنی مبارک به عمر سلیمان جلسه مستمر خود را برگزار و اطلاعیه شماره یک خود را منتشر کرده بود. این سیگنالی بود به مردم بپاخاسته که تحولات سیاسی سریعی در جریان است و ارتش دارد خود را آماده میکند تا زمام امور دولت ضربه خورده از انقلاب را بدست بگیرد و آن را از محاصره انقلاب نجات دهد. ساعتی بعد از آن، مبارک زیر فشار اراده انقلابی مردم زانو زد، به عقب نشینی آخر تن داد و اختیارات خود را به معاونش عمر سلیمان سپرد. این عقب نشینی در پی گسترش بیسابقه مد انقلاب در چند روز گذشته، در پی به میدان آمدن قدرتمند طبقه کارگر و در شب قبل از تظاهرات سراسری "جمعه التحدی" (جمعه مصاف) صورت می گرفت. این لحظه شورانگیزی از تداوم انقلاب و کشمکش آن با ضدانقلاب جاستخت بورژوازی بود. انقلاب با این تاکتیک ضدانقلاب متوقف نشد بلکه یک گام بلند دیگر به جلو برداشت. یک دقیقه پس از پایان سخنان مبارک، جمعیت سه میلیونی حاضر در میدان تحریر با فریاد "ارحل! ارحل!" (برو! برو!) قاهره را به لرزه در آوردند. این فریاد انقلاب مداوم بود که از رادیکالیسم نسل جوان انقلابی و به میدان آمدن طبقه کارگر و محرومان جامعه نیرو گرفته بود. روشن بود که گسترش اعتصابات کارگری فاکتور تعیین کننده سقوط مبارک است.

پنجشنبه شب و امروز ("جمعه مصاف")، دولت و ارتش شاهد اوج گرفتن بیشتر امواج انقلاب و افزایش ضربات دیگری بودند که مردم انقلابی بر ماشین سرکوب دولتی وارد میاورند. اطلاعیه شماره دو شورای عالی ارتش در عصر جمعه گویای این بود که آنها عملا حکومت را در دست گرفته اند و دارند به مردم میگویند که وعده های مبارک را تضمین میکنند. طبیعی بود که در این شرایط مد انقلابی و پس از پیروزی دیروز انقلاب مردم بر مبارک، دیگر کسی از صفوف انقلاب برای عمر سلیمان و احمد شفیق، تره خرد نمیکند و به امثال آنها "اعتماد" ندارد.

تناقض طبقاتی نهفته در بطن انقلاب همگانی مصر، در لحظه کنونی در شکل "وحدت" مردم و ارتش خود را نشان میدهد. از فردا این تناقض خصلت نمای نبردهای طبقاتی و سیاسی بر سر سرنوشت انقلاب جاری خواهد بود که یک طرفش طبقه کارگر و توده های محروم و نسل جوان و همه آرایخواهان جامعه است و طرف مقابل

آن ارتش به عنوان نماینده موقت دفاع از منافع کل بورژوازی مصر و منافع بورژوازی جهان و منطقه در مصر اما در پوست حامی انقلاب و تضمین کننده اجرای خواسته های آن است.

در شرایط حاضر تنها نهاد دولتی که بورژوازی مصر و بورژوازی جهان بتوانند سرنوشتشان را به دستش بسپارند و مردم هم به آن توهم داشته اند که به خاطر سوابق تاریخی این ارتش در دهه های گذشته و همچنین موضع "بیطرف" آن در جریان هژده روز اخیر، "مردم خیابان" از آن خواهند گنشت که مارشال حسین طنطاوی رئیس شورای عالی ارتش، همین ده روز پیش بعنوان وزیر دفاع در برابر مبارک سوگند خورد و به علامت اطاعت نظامی برایش دست بالا برده است.

به این ترتیب ساعت شش بعد از ظهر مائور جدید نجات نظام با اعلام رسمی کناره گیری مبارک و درخواست او از شورای عالی ارتش برای در دست گرفتن زمام امور شروع شد. میدان تحریر یکباره به صحنه رقص و شادی میلیونی مردم انقلابی بدل شد و ارتش رسماً نقش نهاد مورد اعتماد مردم در شرایط بحران را عهده دار شد.

علاوه بر توهام ناسیونالیستی گسترده ای که بر انقلاب جاری مصر حاکم است، مبارک و دولت و بورژوازی مصر امروز برای متوقف کردن انقلاب و حفظ نظامشان، دست به دامن توهم قویتری شده اند که توهم توده های مردم به ارتش در مقام بالاترین رمز ناسیونالیسم عربی-مصری و وارث واقعی عبدالناصر است. در طول شش دهه گذشته از کوننای ژنرال نجیب و جمال عبدالناصر در ۱۹۵۲ تا به امروز، همه سران اصلی دولت مصر ژنرالهای ارتش بوده اند. اغراق نست اگر بگویم ارتش در مصر بیش از هر کشور دیگری ستون فقرات دولت بورژوازی است. در تاریخ معاصر مصر دولت و ارتش در هم ادغام بوده اند. احساس پیروزی مردم انقلابی با رفتن مبارک میتواند آنها را از پیشروی

بیشتر و تداوم انقلابشان تا کسب دستاوردهای بزرگتر باز دارد. آمدن ارتش به جلو صحنه سیاست مصر میتواند شعار "الشعب یرید اسقاط النظام" (مردم خواهان بزیر کشیدن نظامند) که سراسر این هژده روز شعار اصلی انقلاب بوده است را در سقوط مبارک خلاصه کند و سوت پایان بازی را بزند. این اصلی ترین مخاطره پیش پای تداوم انقلاب از فردای کناره گیری مبارک است.

انقلاب ادامه دارد

با اینهمه انقلاب ادامه دارد زیرا جنبش طبقه کارگر با توان و روحیه مبارزاتی بیسابقه ای به میدان آمده است. این جنبش از این پس نقش اصلیترین نیروی پشت حرکت انقلاب را به عهده دارد. الا هرام در شماره دیروز خود با انتشار گزارش بلنقبالی از اعتراضات و اعتصابات گسترده و موفق کارگری نشان داده است که کارفرماهای هر دو بخش خصوصی و دولتی زیر فشار این اعتصابات تقریباً به همه خواسته های کارگران تن داده اند. این تاکتیک شناخته شده عقب نشینی بورژوازی و دولت آن در دوره های انقلابی است تا بتوانند با تظاهر دست و دلپازانه به همراهی با خواسته های کارگران، آنها را از ادامه انقلاب باز دارند و به سر کار وزیر استثمار باز گردانند.

نبردهای طبقاتی آشکار بین طبقه کارگر انقلابی و بورژوازی و ارتش ضدانقلابی و احزاب بورژوازی ناسیونالیست و اسلامی، از بعد از کناره گیری مبارک تشدید میشود و اوج تازه میگیرد. مصاف رهبران و فعالین کارگری، بخصوص کارگران کمونیست در مصر انقلابی برای متحد کردن و متشکل کردن صفوف خود در مبارزات جاری اعم از اقتصادی و سیاسی، تقویت صف مستقل و افق و آلترناتیو مستقل خود و ساختن حزب کمونیستی خود مهمترین عرصه مبارزه طبقه کارگر در نوره آتی است و نیرومندترین ضامن تداوم انقلاب در مسیر انقلاب کارگری است.

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها
۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن
۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی
۲۱.۳۰ تا ۲۳.۳۰ به وقت ایران

شما میتونید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه در همین ساعت باشید

www.radiopartow.com/wp/

کارگران جهان متحد شوید!

آنچه که طبقه کارگر ...

چیزی بر دانش کمونیستها و طبقه کارگر نیافزوده اند. اگر طبقه کارگر در مصر بطور مستقل به میدان میامد یا بیاید، وضع فرق میکرد، قطعاً فرق میکرد و فرق میکند. امید هر تحول رادیکالی در مصر هم به به میدان آمدن طبقه کارگر در این کشور گره خورده است. به میدان آمدن طبقه کارگر فضا را رادیکال تر خواهد کرد و برای انقلابیون نیز وقت میخرد تا تناسب قوای بهتری را به بورژوازی در مصر تحمیل کنند، تا با آن ائتلافی عمر سلیمان و امثال عمر سلیمان را عقب بزنند، خارج از آن مثل همیشه بند و بستهای پنهان و آشکار بورژوازی و ارتجاع محلی حرکت انقلابی مردم را به بیراهه می برد و مثل همیشه ثمره فداکاری توده کارگر و مردم زحمتکش به جیب اینها می رود.

رویدادهای یکی دو سال اخیر در ایران، اکنون تونس و مصر و در آینده احتمالاً کشورهای عرب زبان دیگر، این واقعیت را نشان میدهند که بدون وجود حزب و جنبش سیاسی کمونیستی کارگری که موجود باشد، که طبقه کارگر بتواند آن را انتخاب کند، که بتواند از آن بعنوان پایه طبقه خود استفاده کند، تناسب قوای مقطعی به دست آمده بتدریج در جهت ضرر طبقه کارگر و دیگر مردم آزادیخواه و به تنگ آمده از استثمار و فقر و استبداد بورژوازی، تمام خواهد شد.

جنبش همگانی، ایجاد این جنبش سیاسی در صحنه جامعه برای این روزهای طبقه کارگر است. انقلاب ممکن است بیاید، ممکن بشود یا نشود، اما تحولات سیاسی بویژه در شرایط جهانی امروز و منطقه، غیر مترقیه و غیر قابل پیش بینی نیست. آنچه که به حاکمیت احزاب و جریانات بورژوازی و خرده بورژوازی در صحنه سیاست خاتمه میدهد، وجود یک جنبش سیاسی کمونیستی کارگری در صحنه سیاست است. رویدادهای اخیر یک بار دیگر به

فعلی به نفع خود تأثیر بگذارند، و بهبودی در اوضاع به نفع شرایط کار و زندگی خود ایجاد کنند و حرکت توده مردم زحمتکش در مصر را برای تحت فشار دادن بورژوازی و دولت مربوطه به جلو ببرند.

با اینحال باید تأکید کرد که در همین حد هم، حرکت اخیر به بیداری مردم مصر و منطقه کمک خواهد کرد و دول ارتجاعی منطقه را تا انتها از در پیش گرفتن تحمیل مجدد بی حقوقی کامل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به طبقه کارگر و دیگر مردم آزادیخواه در این کشورها و در منطقه باز خواهد داشت.

برای کمونیستهای کارگری طبقه کارگر اما این همه آنچیزی نیست که طبقه کارگر باید به میدان بیاید. قرار است وزنه قدرتی در جامعه باشند. قرار است نظام بورژوازی را دگرگون کنند.

درهرحال، آنچه که کمونیستها و کارگران باید از آن بیاموزند، ایجاد یک جنبش سیاسی کمونیستی کارگری حاضر در صحنه برای چنین مواقعی است که برای طبقه کارگر حیاتی است و این طبقه سخت به آن نیاز دارد. بدون این، ضد انقلاب بورژوازی به تدریج پرولتاریا و دیگر توده مردم را عقب خواهد زد. این رویدادها با همه عظمت آن اگر قرار است گامی ما را جلو ببرد و چیزی به ما بیاموزد، این است. بدون این، پرولتاریا حتی اگر چند نقطه تعادل دیگر مانند عمر سلیمان و برادعی و غیره را عقب نماند، میان این با آن بخش بورژوازی پراکنده خواهد شد.

به میدان آمدن طبقه کارگر در مصر امید است که به چنین تجربه ای در مصر و یا حداقل پاکرقتن جریانات کمونیستی کارگری رادیکال منجر شود. قطعاً هر دست آوردی در این دوره محصول حرکت عظیم این مردم و قابل پشتیبانی هر کمونیست و هر انسان انقلابی و آزادیخواهی است و با شکوه است.

انقلابات در کشورهای عربی و

چه عکس العملی از جانب بخش پیشرو، کمونیست و طبقه کارگر در جهان روبرو شده است؟

بهرام مدرسی: به نظر من به همان دلایل و عواملی که در جواب سؤال اول گفتم، فعلاً در ضرب اول شکه شده اند. مصر و تونس، جوبلهایی را در مقابل مشکلات جهان گذاشته است که برای کارگر به بند کشیده شده میان احزاب پارلمانی و اتحادیه های کارگری تازگی دارد. می بینند که

میتوان پارلمنتاریسم را دور زد. مبینند که اقدام مستقیم مردم چه نیرویی را در خود دارد و بیش از همه، می بینند که نیروی محرکه این تحولات نه بخش میانی جامعه که تهیستان و طبقه کارگر این کشورها هستند. در مقایسه با تعفن میبدی رسمی و سیاستمداران و هنرپیشگان رهبر جامعه در غرب، پیام انسانیت و نوای آزادی که از انقلابات در کشورهای عربی برمیخیزد برای کارگر اروپایی هم بوی نیگری را دارد. در ضرب اول مبهوتشان کرده است، اما یک هفته بیشتر طول نکشید، که سمپاتی به آن در ابعادی جهانی آغاز

شد. به نظر من همه میدانند که وضع گذشته قابل نوام نیست. سؤال های زیادی که میدیا و اینیولوگ های غرب تلاش کردند که اساساً وجودشان را انکار کنند، امروز دوباره به قدرت رفقایمان در مصر و تونس مطرح شده اند.

کمونیست: آینده این رویدادها را چگونه می بینید؟

بهرام مدرسی: من بسیار خوشبین هستم. تبلیغات غرب و ایران را در باره اسلامی شدن مصر و تونس را باور نکنید. کل دوقطبی که ساختند بهم ریخته

۹ آوریل ۲۰۱۱

زنده باد انقلاب کارگری!

مظفر محمدی

به جهان بشریت

آزادبخواه و برابری طلب خوش آمدید!



هائش و با جنگ ها و مذاهب و مصائب و نسل کشی هائش است. جوان و پیر و زن و مرد نمی خواهند دیگر گرسنگی بکشند. طبقه کارگر این روایتناسی و اذهان نسل های حاضر و آتی باقی می ماند. انقلابی، به اندازه سالیان سال به قدرت خود و به خودآگاهی نزدیک می شود. انقلابات بعدی با پرچم سرخ کمونیسم طلب خوش آمدید!

... کارگری را باید شاهد بود. دریاچه نیوار برلین نظم نوین، تنها با بحران اقتصادی فرو نریخت. انقلاب در جهان عرب آخرین ستون های لرزان باقی مانده اش را فرو می ریزد. ابرقدرت ها، دولت های امریکا و اتحادیه اروپا که تا چند روز پیش میزبان و ستایشگر بن علی ها و مبارک ها و شیخ ها و پادشاهان اردن و سوریه و عربستان و کویت و امارات و ... بودند، اکنون در مقابل طوفان خشم و انقلاب توده های کارگر و زحمتکش جوامع تحقیر شده شان، کرنش می کنند. این صحنه هیجان انگیزی است!

نظم ها و حکام مرتجع و پاسداران نظم نوین سرمایه داری در جهان سوم یکی پس از دیگری فراری داده می شوند. مدعیان نظم نوین حتی از پذیرفتن همکاری فراری شان، شرم می کنند.

شرم تان باد، دروغوها! تکریم و ستایش تا دیروز دیکتاتورهای حاکم جهان عرب یا طرد و نپذیرفتن امروزتان! حمایت تان از انقلابات ما پیشکش تان. فقط گورتان را کم کنید!

مفسران و تحلیگران بورژوازی از اوپاما تا دیگر همپالگی هائشان، تنها از توقعات نسل جوان (new generation) و نقش تویتور و فیس بوک حرف می زنند تا اسمی از طبقه کارگر و زحمتکشان نبرند. اما انقلاب در جهان عرب، ریشه در استثمار طبقه کارگر دارد. انقلابات جاری تکیه به توده های طبقه کارگر و زحمتکشان دارد. یکی از پلاکدهای انقلابیون میدان آزادی قاهره قرص های نان است. این شورش و قیام گرسنگان و ستمکشان و استثمار شدگان است.

ساعتی دیگر خورشید روز جمعه ۱۱ بزرگی از جهان را عوض می کند. فوریه، روز تعیین تکلیف مردم مصر با بیبیند: رژیم مبارک طلوع می کند. مصر - نظام های استبدادی، عشیره ای و امشب نمی خوابد. نفس میلیون ها مردم آزادبخواه و برابری طلب در سراسر سرمایه داری و ارتجاع در جهان عرب جهان در سینه ها حبس شده است. دوره شان به پایان رسیده است. مردم هیجان انگیز است! باهر که دم دست است تماس می گیرم. می گویند: نگرانم سیر حوادث به کجا می کشد؟ انقلاب مصر کمونیسم اش کم است. طبقه کارگر حزب ندارد، برای کسب قدرت آماده نیست. شاید ارتش کونتا کند. حسنی مبارک برود مردم به خانه هائشان بر می گردند!

اما انگار چیزی نمی شنوم جز این که چشماتم به صفحه تلویزیون انگلیسی الجزیره و قلم در میدان آزادی "تحریر" قاهره می زند. انگار دارم خودم را آماده می کنم که چند ساعت دیگر بهمراه مردم میدان تحریر به طرف کاخ حسنی مبارک بروم. به هیچ چیز دیگر جز اینکه کاخ نظام جمهوری سرمایه داران در مصر توسط انقلابیون مصر تصرف شود فکر نمی کنم. سر جلم بند نمی شوم. فردای پس از سرنگونی رژیم مبارک را بگذار خود انقلابیون مصر تصمیم بگیرند. هیجان انگیز است. نیست؟ این جواب به همه دوستان است.

صرفظفر از اینکه فردا و تا چند ساعت و روز دیگر چه اتفاقی می افتد، دارم به پیام انقلابات جاری نیای عرب فکر می کنم.

پیام انقلاب تونس، انقلاب مصر و دیگر انقلابات در راه جهان عرب برای بشریت امروز، عظیم و تاریخ ساز است. انقلاباتی که چهره حداقل بخش بشری به جهان سرمایه داری با بحران

اسب سواران فاسد سقوط کرده بود، و فرزندانش را خونشان را برای یک زندگی شرافتمند برای تمامی مردم دادند. دنیا صدای شما را که برای حقوقتان فریاد میزنید، شنیده است و امروز با شما اعلام همبستگی میکند، کارگران در سرتاسر دنیا روز ۸ فبریه را روز همبستگی با کارگران مصری اعلام کرده اند، به فریادهای همبستگی که کارگران در همه جا سر داده اند گوش فرا دهید و تأیید کنید که آنها میدانند که شما چقدر قدرتمند هستید، و

گوش دادن و مذاکره کردن با ما بیابیم، نخوابیم. تا بتوانیم در باره از دید دستمزد هلیمان بحث و مذاکره کنیم و قادر باشیم متحد بمانیم و از خود زمانی که به ما توهین میشود دفاع کنیم.

کارگران و کارمندان مصر، مصر به حق کارگران مصر برای ایجاد لطف جوانان شگفت انگیزش، به اتحادیه های مستقل که آزادانه آنها را نمایندگی و بیان میکنند برداشتن تمامی چرخیده است، جهان اکنون سیمای موانعی که بر آن تحمیل شده است، تا واقعی ما را دیده است، سیمای مردمی دیگر و در زیرزمین ساختمان مجمع متمدن که به آزادی و عدالت اعتقاد عمومی مردم، بدون اینکه کسی رابرای

یک روز برای کارگران مصری

ادارات محلی و شهرداریها با پرسنل وزارتخانه ها.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ما در کنار طبقه کارگر و مردم مصر هستیم

تلخیصی از مصاحبه رادیو پرتو با رحمان حسین زاده



رادیو پرتو: دنیا به وقایع مصر چشم زندگی خورشان در هر سطحی به دوخته که چگونه رو به جلو راه خودش وجود بیایند این چه تاثیری را در را باز خواهد کرد، تاکید من در رابطه منطقه می تواند در فضای سیاسی ایران و جمهوری اسلامی داشته باشد؟

رحمان حسین زاده: ببینید تحرک در تونس که بن علی را فراری داد و الان هم در مصر رژیم مبارک را تحت فشار قرار داده است، تا همین لحظه تاثیرات بزرگی را در منطقه گذاشته است. در همه کشورهای عربی شاهد هستیم، سران آن دولت ها وعده های اقتصادی و سیاسی را میدهند، سوسیالدها را دوباره می خواهند جاری بکنند، حتی بعضاً کابینه عوض میکنند، و تا همین الان عقب نشینی به دولتهای بورژوازی آنهاجا تحمل شده است. در ایران هم اتفاقاً تأثیرش را از همان عکس العمل سران جمهوری اسلامی می شود دید، احمدی نژاد و خامنه ای ادای دایه دلسوزتر از مادر را برای مردم مصر به خود گرفته اند، که اصلاً به آنها مربوط نیست، خود آنها مشابه مبارک هستند، مشابه بن علی هستند و کارگر و مردم مصر و تونس و ایران هم اینها را میداند، میخواهند به برادران اسلامیشان پیام بدهند، اما قبل از این حرفها احمدی نژاد ابتدا قول کاهش قیمت هارا از اول سال جنید میدهد، میداند در همان کشورها هم اعتراضها علیه گرانی بوده است، علیه بالا رفتن قیمتها اعتراض داشته اند، این هراس را نشان میدهد و بعدا هارت و پورتی هم میکند. خامنه ای هم در نماز جمعه ابتدا از یارانه ها میگوید و بعداً هم پیام جهل و اسلام را بیان میکنند. این ماجرا آنها را ترسانده است. از طرف دیگر ما کارگر و مردم آزادیخواه در ایران می بینیم که اعمال اراده طبقه کارگر و مردم زحمتکش و مردم معترض آن کشورها احیا شده است، به همه آزادیخواهان ایران قوت قلب میدهد و کارگر در ایران قوت قلب میگیرد. و یک بار دیگر این را نشان میدهد، پس شدنی است، پس می شود به خودمان متکی باشیم، آگاه و روشن بین به میدان بیاییم، علیه استبداد باشیم، علیه گرانی باشیم، علیه فقر باشیم، ممکن است بورژوازی ایران را تحت تنگنا و فشار قرار بدهیم.

رادیو پرتو: هر روز که از اعتراضات که در مصر میگذرد، بیشتر معلوم می شود که تشبیهات نیروهای مختلف اند سرنوینی حکومت مبارک را به دست بیایند و تغییراتی در وضعیت مستقیماً تأثیر می گذارد.

رادیو پرتو: اگر مردم مصر موفقیت هائی را آنگونه که خورشان اسم گذاشته اند سرنوینی حکومت مبارک را به دست بیایند و تغییراتی در وضعیت

رحمان حسین زاده: به نظر من این اوضاع و این تحول عظیم انقلابی که در مصر و قیلت در تونس شروع شد، در فضای سیاسی ایران مستقیماً و به دلایل مختلف تأثیر میگذارد. اعتراض بر حق میلیونی که علیه فقر، فلاکت و گرانی است و علیه آن شرایط سختی است که به جامعه تحمیل شده خود یک سمپتی وسیعی را در جهان و از جمله در ایران هم جلب میکند. چون این درد مشترک طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و مردم تحت فشار ایران هم هست و میبینند هم سرنوشتشان و هم طبقه ای هایشان به چیزی اعتراض دارند که مسئله شب و روز آنها هم هست. در عین حال این یک تحرک عظیم است علیه استبداد، علیه دیکتاتوری، علیه رژیمهای فاسدی است که چندین دهه خون مردم را در شیشه کرده اند و در ایران هم الان بیش از سه دهه است که جمهوری اسلامی خون مردم ایران را در شیشه کرده است. در نتیجه یک تحول عظیمی را میبینند و همه برای بهتر شدن زندگی و بهتر شدن معیشت شان و برای گشایش سیاسی علیه استبداد و علیه دیکتاتوری، می خواهند آنها را ببندازند و این مبارزه پُرشور است همانطور که در کشورهای مختلف به آن امید بسته اند و به آن چشم دوخته اند در ایران هم به همین شکل است. عکس العملها را میبینیم، در نتیجه من هم فکر میکنم تأثیر میگذارد و طبقه کارگر و مردم آزادیخواه قطعاً قلبشان برای این حرکت می تند و قابل مشاهده است که سران جمهوری اسلامی هم هراس و نگرانی خورشان را از این وضعیت دارند، در نتیجه من فکر میکنم مستقیماً تأثیر می گذارد.

رادیو پرتو: هر روز که از اعتراضات که در مصر میگذرد، بیشتر معلوم می شود که تشبیهات نیروهای مختلف اند سرنوینی حکومت مبارک را به دست بیایند و تغییراتی در وضعیت

جائی نمی برد و نقش مردم بخصوص طبقه کارگر و مردم زحمتکش برجسته تر می شود در فضای سیاسی دنیا براساس این چکار می شود کرد برای همبستگی و برای تقویت این حرکت چه کاری می شود کرد؟ شما گفتید در دستور کار طبقه کارگر ایران هم باید باشد، فکر میکنید چه راه حلی دارد؟ چه انتظاری می شود داشت؟

رحمان حسین زاده: خیلی روشن باید از این تحرک عظیم توده ای و انقلابی که در مصر هست و اتفاقی که در تونس افتاده است باید حمایت کنیم. طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه و مردم تحت ستم و همه ی انهایی که درد کارگر و مردم مصر و تونس دردمان است، باید اعلام همبستگی و اعلام حمایت کنیم و این پروسه الان در سطح دنیا در جریان است. به نظرم طبقه کارگر ایران هم دقیقاً سرنوشت کارگر و مردم مصر و تونس را به خودش مربوط میداند و در نتیجه اعلام حمایت و اعلام همبستگی خیلی موضوعیت دارد و برای این به نظرم دست طبقه کارگر ایران باز است و میتواند خیلی کارها بکند. از جمله من فکر میکنم تشکلهای موجود کارگری و مراکز کارگری در ایران میتوانند پیامهای حمایت و همبستگی را علنی نسبت به اعتراض برحق توده کارگر و مردم در مصر و تونس اعلام بکنند. با بیانیته

هایشان، همه دنیا میگویند فیسبوک و شبکه های انترنت و غیره دنیا را به مصر وصل کرده است و کارگر و مردم ایران هم وصلند تا پیامشان، صدایشان را برسند و حمایتشان را اعلام بکنند، پیامهای پُرشور همبستگی از کارگر در مصر و تونس، بویژه الان در مصر که نبرد و مبارزه را ادامه میدهند اعلام بکنند. در شرایطی که خود خامنه ای و احمدی نژاد و غیره به برادران اسلامی شان پیام میدهند، طبقه کارگر ایران هم به رفیق و برادر کارگرش و به هم طبقه ایهای کارگرش، به هم سرنوشتانش به مردم آزادیخواه آنجا پیامش را میدهد. باید گفت مبارزه تان مبارزه ما است و خواست تان خواست ما است و حرکت تان حرکت ما است. ما هم این تجارب را داشتیم و از اعتراض و مبارزه شما الهام می گیریم، میشود به ابتکار دیگر در محیط و مراکز کارگری فکر کرد. آیا نمیشود به حرکات سمبولیک حمایتی فکر کرد؟ بویژه در سطح خارج کشورها و تشکیلات خارج ما و انواع نهادها و کمیته های متعلق با متعهد به جنبش طبقه کارگر ایران وجود دارد خیلی نستشان بازتر است. از این طریق هم صدای کارگر را رساند. ما به عنوان حزب حکمیست،

بخشی از کمونیسم طبقه کارگر، پیامان را هفته گذشته به کارگران مصر اعلام کردیم. اعلام کردیم طبقه کارگر ایران و کمونیستها در کنار شما هستند و به این مسیر می رویم و ابتکارات دیگری که خود کارگران و پیشروان کارگری و فعالین کمونیست کارگری در داخل می توانند در دستور کار بگذارند. به هر حال بی ایهام و بی اما و اگر باید از این حرکت عظیم کارگری و توده ای در مصر و تونس و غیره حمایت کرد.

رادیو پرتو: اینجا سئوالی که مطرح می شود این است، وقتی جمهوری اسلامی به اوضاع مصر نگاه میکنند اهداف خورشان را تعقیب میکنند، جریانات اسلامی و حرکت دیگری را تعقیب میکنند و به همان اندازه واضح است که کارگر در ایران نخواهد به هیچ عنوان از هر حرکتی در دفاع از مردم مصر، در کنار جمهوری اسلامی قرار بگیرد این مواردی که شما اشاره کردید، چگونه می شود این مرز را تفکیک کرد؟

رحمان حسین زاده: ببینید پیام کارگر و مردم آزادیخواه ایران خیلی متفاوت است، خامنه ای و احمدی نژاد میباید و به دروغ از اینکه این انقلاب اسلامی است صحبت میکنند. دنیا روزانه میبیند این حرکت و تعرضی که به مبارک و به رژیمش در جریان است یک حرکت مترقی و آزادیخواهانه است. میدانم جریانات اسلامی هم آنجا هستند و جست و خیز خورشان را دارند و اخوان المسلمین هم هست، در کل یک حرکت عظیم توده ای هست و همه میدانند نسل جوان ششم آوریل و مترقی آنجا و طبقه کارگر مصر و فراسویون های کارگری که الان تشکیل شده اند و اعتصابات کارگری در کتال سونز به راه افتاده است، ستون فقرات این مبارزات است. خواست و مطالبه ای که این مبارزه دارد با حرفهای احمدی نژاد و خامنه ای و اینها زمین تا آسمان فرق دارد آنها دارند از اسلامشان می گویند، طبقه کارگر ایران دارد می گوید، طبقه کارگر مصر مردم آزادیخواه در کنار شما هستیم یعنی در کنار دفاع از مطالباتمان علیه گرانی علیه فقر علیه بیکاری و علیه استبداد علیه مبارک علیه ارتش و این سیستم هستیم در نتیجه به نظر من در این زمینه نباید دو دلی نشان داد. در دنیا اینقدر آگاهی هست و آنقدر هوشیاری هست، پیامهای متفاوت را می بینند و حرف متفوت را میشوند، حرف کارگر ایران با حرف جمهوری اسلامی و حرف احمدی نژاد خیلی متفاوت است. کارگر مصری و مردم آزادیخواه در مصر این را قاطی نمی کنند. این واضح

کارگران جهان متحد شوید!

ما در کنار طبقه کارگر و مردم ...

ایران و مردم آزادیخواه اینها را جزو صفتی حساب نمی کنند که گویا حقیقتی است. کارگر تونسی و مصری و مردم آزادیخواهش می دانند خامنه ای و احمدی نژاد مبارک های ایران هستند، بن علی های ایران هستند.

رادیو پرتو: مسئله اعلام حمایت و تظاهرات و اکسیونی بود که کروی و موسوی فراخوانش را داده اند به

جمهوری اسلامی و ظاهرا رنگ مخالفت با رژیم را به آن زده اند و دفاع از مردم مصر را، میخواستیم نظر شما را در مورد از شما بپرسیم؟

رحمان حسین زاده: اصلا اعتراض

مردم تونس و مصر به موسوی و کروی چه مربوط؟ اینرا همان مردم تونس مصر هم میدانند. ولی در ایران و در دنیا هم بنظر من میدانند که اینها دنبال بزفس خودشان هستند. اینکه در

مقابل احمدی نژاد چهره اپوزیسیونی گرفته و از "رهبر" قهر کرده اند، از یاد کسی نبرده موسوی و کروی جزو بر پا کنندگان نظام مستبد اسلامی

بودند، جزو یک حاکمیتی که استثمار شدید را به طبقه کارگر ایران تحمیل کردند و جزو سرکوبگران مردم در ایران بودند. فعلا آن نوره به کنار، همین دو سال اخیری که ظاهرا جنبش سبز راه انداختند. حتی در همان

حرکتشان نه صحبتی علیه گرانی بود، علیه فقر بود، علیه بیکاری بود و نه علیه استبداد بود. بهر حال تمام

صحبتشان علیه دیکتاتوری مورد نظرشان یعنی خود احمدی نژاد است. میخواهم بگویم بویژه در ایران و طبقه کارگر ایران و مردم آزادی خواه ایران آنها را میشناسد. اینها همپالگی احمدی

نژاد و خامنه ای هستند. از خامنه ای و احمدی نژاد تا موسوی و کروی و حتی و رفسنجانی اینها ربطی و هیچ مناسبتی با اعتراض بر حق و میلیونی

و توده ای در تونس و مصر و اینها ندارند، بلکه اتفاقا در صف مقابلش بودند در صف ارتجاعی بودند که سرکوبگری و استبداد جزو خصوصیاتشان بوده، جزو نظامشان

بوده و تحمیل فقر و بیدختی و فلاکت در یک جامعه ۷۰ میلیونی جزو خصوصیاتشان بوده، همچنین میخواهم بگویم اینها دنبال بزفس احیای سبز

خودشان هستند، اعتراض در مصر به آن ها مربوط نیست و طبقه کارگر صاحبها به این واقعه اشاره نشده است.

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مبارک رفت

زنده باد انقلاب

تشکیل میداد. امروز این غول سیاسی به زانو درآمده است و خیزش مردم انقلابی، نه فقط شخص مبارک بلکه تمام شالوده و استخوان بندی این حکومت را به لرزه در آورده است. امروز دیگر، ارتش، دولت، ارگانهای قدرت این حکومت کاسه گدایی در دست گرفته و به امید کسب مشروعیت از مردم معترض شب را به روز میرسانند. از همین فردا شاهد خواهیم بود که صف سربازان و رده های پایین ارتش ترک خواهد خورد، سربازانی که بخش عمده آنان فرزندان کارگران و مردم ستمدیده و انقلابی اند، نمیتوانند از انقلاب مصر به شغف نیلند، و پایه این بازوی استبداد را از درون متزلزل نکنند.

تا همینجا مردم مصر کارگران و مردم سراسر دنیا را با شکوه قدرت اعتراض برحق خود به شغف آورده اند. این مردم با ستان خود و با نیروی اتحاد و اعتراض خود، آزادی و حق برخورداری از نان و رفاه را در مقابل یکی از دیکتاتورترین حکومتهای عصر معاصر و عزیزکرده دول غربی را به کرسی نشاندند.

این تازه آغاز راه است. با رفتن مبارک و دولتش دوره ای انقلابی و پر طیش در مصر شروع شده است. طبقه کارگر مصر پا به عرصه کشمکشهای بزرگ نهاده و مسیر پرپیچ و خمی را پیشروی دارد. تا همینجا و با فرار حسنی مبارک گشایش جدی و فرصت تعیین کننده برای ایفای نقش تاریخی طبقه کارگر و کمونیسم در راه رهایی قطعی از ستم و تبعیض فراهم شده است. ما به این فرصت به وجود آمده و آینده رها از استثمار و سرکوب و تحقق آزادی و برابری برای طبقه کارگر و مردم مصر خوش بینیم. رسالت طبقه کارگر و کمونیستها و آزادیخواهان در دنیا حمایت از طبقه کارگر مصر است. طبقه کارگر ایران و حزب حکمتیست

این روند را تقویت کرده و در کنار کارگران و کمونیستهای مصر خواهند بود.

زنده باد انقلاب کارگران و مردم مصر

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ فوریه ۲۰۱۱

حسنى مبارک سمبل يکى از مستبد ترين، فاسدترين و ضد مردمى ترين حکومتها در خاورميانه و کشورهای عربى، مجبور به کناره گيرى شد. اراده انقلابى طبقه کارگر و مردم تحت ستم مصر اين تحول انقلابى تاريخى را به فرجام رساند. شورو شغف زبايدالوصفى ميدان آزادى، اين قلب انقلاب توده اى مردم و سراسر مصر و خاورميانه و شمال آفريقا را و در ابعاد وسيع جهاني کل انسان تشنه آزادى ورهائى را فراگرفته است. مردم و طبقه کارگر ايران و کمونيستها و حزب حکمتیست در اين پيروزى بزرگ و شادى کارگران و مردم مصر عميقا سهيم اند و آن را تبريک ميگويند.

از همان سه هفته پيش و با شروع خروش نارضايتى مردم مصر روز شمار معکوس حکومت مبارک آغاز شده بود. در طول اينمدت به سرعت برق، يکى پس از ديگرى سناريوهای حفظ حکومت پوشالى از آب درآمد. در اين فاصله معلوم شد که عليرغم تهديدات، سرکوب، فريبها، بازيهاى نيپلماتيک و وعده ها، اعتراض مردم زحمتکش کماکان عليه حاکمين مصر ادامه خواهد داشت. آنچه در رسانه ها بعنوان "سناريوى کناره گيرى مبارک" ناميده ميشود، تنها و تنها حاصل فشار اعتراضات و نارضايتى گسترده در ميان مردم زحمتکش است. ورود طبقه کارگر و شروع اعتصابات کارگرى چاره اى بجز فرار حسنى مبارک را باقى نگذاشت.

حسنى مبارک سمبل يکى از قدرتهاى دنياى سياسى - نيپلماتيک منطقه خاورميانه و کشورهای عربى و شمال آفريقا بود. حکومت او لنگر اصلى سياست امريکا و از تکیه گاههای اصلى حکومت سرمايه در کل منطقه بود.

استبداد و سرکوب تمام عيار، يك طبقه کارگر ارزان و بى حقوق نقطه حرکت حکومت و اقتدار ظاهرا افسانه اى آنرا

آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ایدئولوژی، آزادی در زندگی انسانی، آزادی در شکوفایی خلاقیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در برخورداری از امکانات و نعمات ملی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

از مقدمه بیانیه حقوق جهانشمول انسان - مصوب حزب حکمتیست

زنده باد سوسیالیسم

